

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قبل از قرائت خطبه‌ی گران‌بها و بزرگ‌امشب که سرشار است از رحمت الهی و عنایت و لطف خاصه‌ی مولا و سرورمان امام زمان (عج) مطالبی را برای درک بهتر عزیزان اعلام می‌داریم باشد که از این دریای احسان که پر از حقیقت ایمان و حق است بتوانیم از دهه‌ی محرم امسال نیز کسب فیض کرده و آن را چراغ راه حق‌شناسی و حق‌مداری و حق‌جوی‌مان قرار دهیم. خداوند را شاکریم که با وجود ناسپاسی‌مان، در رحمت خود را در شناخت حق از باطل به رویمان باز فرموده و در زمانه‌ای که مدعیان دوستی با امام حسین (ع) محرم و نهضت عاشورا را با اعمال جاهلانه و باطلانه‌ی خود به بازی گرفته‌اند و امام حسین (ع) و امام عصر (عج) را مکدر و غصه‌دار نمودند، ما را از این نعمت و رحمت بی‌همتا برخوردار فرموده است.

باید باور کرد و یقین داشت که اسلام حقیقی در صحرای کربلا ده روز زندگی کرد و پایان ده روز آغاز حرکتی شد که ندایش بعد از گذشتن سالیان طولانی هر سال رساتر و اشتیاق مشتاقان شناخت حق از باطل برایش افزون‌تر می‌گردد، در عوض عده‌ای که دنباله‌روی باطلان کربلا هستند برای رسیدن به امیال نفس‌های سرکش دنیایی خود با بهره‌گرفتن از ناآگاهی مردم سعی در تحریف و بازیچه‌قرار دادن حقیقت آن دارند و باید به آن‌ها گفت: آیا موقع آن نرسیده تا کمی در کارهایتان اندیشه کنید؟ همان‌گونه‌ای که پروردگار عالم در کتاب آسمانی فرموده‌اند: آیا مؤمنان را وقت آن نرسیده است که دل‌هایشان در برابر یاد خدا و آن سخن حق که نازل شده است خاشع شود و همانند آن مردمی نباشند که پیش از این کتابشان دادیم و چون مدتی برآمد دل‌هایشان سخت شد و بسیاری نافرمان شدند. بله خداوند مهربان به‌وسیله‌ی نهضت عاشورا راه شناخت دین، حق و باطل، پاک و ناپاک و عشق و ظلمت را به همه‌ی مردم نشان داد پس چرا فراموشمان شد، عبرت نگرفته و راه باطل و تباهی را پیش گرفتیم؟

اینک ما که بر سر سفره‌ی احسان الهی و لطف و عنایت امام عصر (عج) نشسته‌ایم باید که با دقت و اندیشه در مورد خطابه‌ها، خود را نجات دهیم؛ مایی که در

دهه‌های محرم سال‌های گذشته به حقیقت نهضت امام حسین (ع) تا روز عاشورا با عنایت امام و مولایمان آگاهی پیدا کردیم، در این دهه ما را با حقیقت نهضت پیام‌آوران عاشق و دل‌باخته‌ی عاشورا آشنا می‌فرمایند چون کم‌کم زمان، خود را آماده می‌سازد تا نوشنده‌ی شراب حقیقتی شود که سال‌ها منتظرش بود، با رنج‌های حضرت زینب (س)، رنج کشیده و با غربت فرزندان رسول خدا غربت مظلومیتی را حس کرده که فریادرس آن جز امامش کس دیگری نیست.

سال شمسی با فصل بهار آغاز می‌گردد و طبیعت به خود می‌بالد که در آن گل‌های زیبا باز شده و چشم نوازی می‌کند ولی بعد از تمام شدن فصلِ سرسبزی، همه پژمرده شده و از بین می‌روند. سال قمری با بهار محرمی آغاز می‌شود که گل‌هایش ریشه در توحید و حق و شاخه‌های استوارش ریشه در ایمان و عشق به خداوند دارد و تا ابد شاداب و بدون خزان است و باید بدانیم و باور کنیم که اولیاء و اهل‌بیت پیامبر خاتم (ص) آشناترین انسان‌ها در همه‌ی کائنات و زمین هستند ولی متأسفانه آنچه غربت آنان است جهل جاهلان در عدم شناخت واقعی وجود آنهاست و تفاوتی ندارد چه در شب دهم محرم ۶۱ مابین تهی مغزان لشکر باطل باشند یا در محرم عصر حاضر در میان عزاداری عزاداران، پس شام غریبان اهل‌بیت به یک شب ختم نشد.

اینک شما که در این کوی عشق حضور دارید با اندیشه، به خطبه‌ی امشب خوب توجه کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

(محرم ۱۴۳۴ ه.ق - پیام آوران عشق)

۲۶ آبان ۹۱

خطبه‌ی شب اول

سلام بر ماهی که آغازش چونان بهاری است که در جان پر شورش شکفتن غنچه‌هایی را به پیشواز می‌رود که در انتظارشان سر اطاعت به فرمان خالق خویش نهادند تا اسرار جانشان را ورق به ورق از هم بگشایند و نامشان از غنچه به گل تبدیل شود و آنگاه رنگ و بوی‌شان جان را به وجد آورد؛ آدمیان به تماشا بایستند؛ عده‌ای آنان را بر

شاخه‌ی استوارشان بستایند و عده‌ای در گلدان گل؛ آنان که لطافت را در ریشه‌ی استوار ببینند صاحب ریشه را بستایند و آنانی که به گلدان بنگرند گل را.

سال قمری با نامی آغاز می‌شود که گل‌هایش دارای ریشه‌ای استوارند، ریشه‌ای که انوارش بر سرشاخه‌ی زیبایش جلوه‌گر است. چشم‌های عاشق بر این گلستان زیبا می‌نگرد و از شورش به وجد می‌آید؛ دست‌ها با نامش به سخن در می‌آید؛ چه اسراری در این طلوع است که آن را در زمان جاودانه نمود و هرگز غروبی را برایش رقم نزد؟ طلوع اولین روز محرم بر صحرایی خشک نوید شکفتنی را به همراه داشت که هرگز خزانی را تجربه نکرد؛ امشب گنجینه‌ای از این گلستان را باز می‌کنیم تا مشتاقان یافتنش بر سر سفره‌ی احسانش بنشینند و از رزق بی‌منت‌هایش جانشان را متنعم کنند.

به چادر مولایمان حسین (ع) می‌رویم تا حکایت ده شب دلدادگی را از زبان مبارکش به تاریخ محرم هدیه کنیم، تاریخی که زبانش آیات کریمه‌ی قرآن است نه بازیچه‌های کودکانه.

مولایمان می‌فرمایند: ای شیفتگان حق، جانتان را مهمان این صحرا کنید تا زمان ده شب، با آنچه از آن در گذر عمرتان است سپری شود و ماجرا از غروب عاشورا با این ده شب هم‌سفر گردد.

چه روزی بود دهم محرم سال ۶۱ هجری! آغازش لطف و کرم بود و پایانش وعده‌های قرآن کریم. نام شبش شام غریبان است؛ کدام غریبان؟ فرزندان جانشین پیامبر که در عالم غریب نیستند بلکه جان‌هایی غریب‌اند که از عقل تهی می‌باشند و آنان در میان این تهی مغزان، غریب بودند مانند امشب که اولین روز محرم است و اهل‌بیت رسول خدا در میان تهی مغزان غریب هستند. امشب شام غریبان است نه دهم محرم، غربت جهادی که به ابزارهای باطل آراسته گشته تا نمایشنامه‌ای را بر صحنه‌ی ایام به اجرا درآورد و نامش را عزاداری بخواند؛ هیئات بر این ذلتی که زمین و آسمان از آن غمگین است و شیفتگان حقیقت جویش چونان شمعی بر گرد خورشید می‌چرخند تا تاریکی جهلشان در تابشش به روزی پرفروغ بدل گردد، آن روز همانند عاشورا در زمان امتداد یابد، مردمان بیایند و بروند و میراث بران حقیقت آن باشد.

اسارت جانها در بی فروغی هدایتشان معنا شود نه در اسارت فرزندان بنی‌هاشم پس در هر شب، حادثه‌ی اسارت اهل‌بیت بعد از واقعه‌ی عاشورا را برایتان حکایت می‌کنیم تا حقیقت طلبان به همراه مهمانان خوان الهی از رزق آسمانی‌اش بهره‌مند شود پس دست‌ها را به دعا برمی‌داریم:

بار الها جهل مانند سایه‌ای است که همواره در نور و ظلمت به همراه انسان است پس به کرمت ما را از شر این ظلم که بر جانمان روا داریم در پناه کرمت حفظ بفرما.

آمین

اللهم عجل لولیک الفرج